

سیاست‌های کاهش طلاق در کشور ۱. تحولات قوانین طلاق

معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی
دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۶۷۰۳
آبان‌ماه ۱۳۹۸

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۳.....	مقدمه
۵.....	مروری بر مجموعه قوانین وضع شده در مجلس شورای اسلامی در حوزه طلاق
۹.....	سنخ‌شناسی قوانین مرتبط با طلاق
۹.....	۱. ایجاد ساختار در رسیدگی به درخواست طلاق
۱۴.....	۲. ضابطه‌مند کردن فرایند اجرای حق طلاق مردان
۱۷.....	۳. تسهیل حق درخواست طلاق برای زنان
۲۰.....	۴. سعی در ایجاد مصالحه و سازش در بین زوجین متقاضی طلاق
۲۵.....	جمع‌بندی تحلیل تحولات قوانین حوزه طلاق
۳۰.....	منابع و مأخذ



سیاست‌های کاهش طلاق در کشور ۱. تحولات قوانین طلاق

چکیده

اگرچه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مستقیم برای کاهش طلاق به‌عنوان یک آسیب اجتماعی طی دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است با این حال با توجه به اهمیت نهاد خانواده و استواری روابط خانوادگی در نظام عرفی، هنجاری و قوانین بالادستی کشور شاید بتوان سیاست جمهوری اسلامی ایران را در این حوزه، خانواده‌گرایی و سیاست طلاق حداقلی دانست.

این گزارش با بررسی تحولات قانونگذاری در مدیریت حوزه «طلاق» با استفاده از روش تحلیل محتوای قوانین و مراجعه به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی تلاش کرده تا نشان دهد چگونه و از چه مسیری قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق سیاست «طلاق حداقلی» و «پرهیز از طلاق غیرضروری» به وضع قوانین اقدام کرده است؛

مروری بر مجموعه این اقدام‌ها را با توجه به ماهیت آنها می‌توان به‌شرح زیر خلاصه کرد:

۱. تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی خانوادگی و طلاق از طریق ایجاد دادگاه خانواده؛

۲. ضابطه‌مند کردن حق طلاق مرد در قوانین از طریق لزوم مراجعه به دادگاه و

صدور حکم قاضی جهت ثبت طلاق؛

۳. فراهم کردن امکان طلاق زوجه در شرایط خاص (عسروحرج) و واگذاری تشخیص

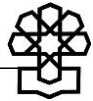
آن به قاضی؛

۴. تلاش جهت ایجاد سازش و مصالحه بین زوجین متقاضی طلاق از طریق دو

سازوکار داوری و نظام مشاوره.

در سال‌های اخیر شاید بتوان مهم‌ترین اقدام قانونگذار جهت کاهش طلاق را الزام به مراجعه به نهاد مشاوره دانست. افزایش آمار طلاق توافقی در چند سال اخیر، باعث شد قانونگذار به صورت خاص در جهت کاهش این چالش گام بردارد. الزام دادگاه‌ها بر ارجاع زوجین متقاضی طلاق توافقی به مشاوره در ماده (۲۵) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و همچنین پرداختن برنامه ششم توسعه به کاهش درصد نسبت طلاق توافقی نسبت به کل طلاق‌های صورت گرفته در جهت ارتقای شاخص‌های توسعه حقوقی و قضایی (بند «د» ماده (۱۱۳)) با چنین هدفی صورت گرفته است.

فرض قانونگذار در این نکته بوده که نظام مشاوره این توانایی را دارد که ضمن تشخیص مسئله اصلی زوجین متقاضی طلاق، با ارائه راه‌حل متناسب، آنها را از تصمیم خود منصرف کند. ارزیابی قوانین وضع شده در زمینه کاهش طلاق نشان می‌دهد که ماهیت سیاستگذاری طلاق در ایران پسینی و ترمیمی بوده و قانونگذار تنها پس از بروز مخاطرات و آسیب‌های اجتماعی به فکر چاره افتاده است. این درحالی است که از دیدگاهی دیگر، فرایند مشاوره‌ای که در دادگاه‌ها یا مراکز مشاوره‌ای بهزیستی مشغول به فعالیت هستند و زوجین در حین مراحل طلاق باید به آنها مراجعه کنند، به تنهایی مؤثر در کاهش طلاق نخواهند بود زیرا زوجین زمانی مجبور به انجام این مشاوره می‌شوند که در آستانه جدایی هستند و چالش آنها به بالاترین سطح خود رسیده است؛ در نتیجه به نظر می‌رسد که این مشاوره پسینی نتواند در حل مشکلات زوجین چندان کارآمد باشد. لازمه موفقیت در این عرصه توجه به موضوع تحکیم نهاد خانواده و آموزش مهارت‌های زندگی، تشکیل و تداوم خانواده طی فرایند جامع‌پذیری فرد از دوران کودکی است. در شرایطی که فرد فاقد



هرگونه مهارت کافی نگرشی و رفتاری در این حیطه است چگونه می‌توان انتظار داشت با چند جلسه مشاوره در اوج مشکلات خانوادگی، برای تداوم زندگی مشترک تلاش کرده و رفتار مناسب را در پیش گیرد. علاوه بر این برخی از مشکلات خانوادگی ناشی از انتخاب نامناسب همسر و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی است یا ریشه در مسائلی چون فقر یا اعتیاد دارد که نمی‌توان انتظار داشت با مشاوره حل شود.

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری خود به‌عنوان نظامی برآمده از ارزش‌های اسلامی، همواره بر اهدافی چون «پاسداری از قداست خانواده»، «استواری روابط خانوادگی» و «تحکیم خانواده»^۱ تأکید داشته و به روش‌های گوناگون تلاش کرده از طلاق غیرضروری جلوگیری کند یا آن را به حداقل برساند. پیامدهای منفی این طلاق در تغییر ماهیت و کارکرد نهاد خانواده و همچنین مشکلات روحی و روانی حاصل از آن برای کودکان را می‌توان به‌عنوان بخشی از دلایل پشتیبان این سیاست دانست.

براساس همین نگرش، در اسناد بالادستی مانند اصول قانون اساسی از خانواده به‌عنوان واحد بنیادین جامعه اسلامی نام برده شده و بر حفظ قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی تأکید شده است. بر این مبنا شاید بتوان سیاست قانون اساسی و حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران را در این حوزه، **خانواده‌گرایی، پیشگیری از طلاق و کاهش طلاق غیرضروری** دانست.

۱. برگرفته از ماده (۱۰) و (۲۱) قانون اساسی.

با وجود اهمیت مسئله طلاق و ضرورت تلاش در جهت کاهش آن، ردپای این موضوع در متون سیاستگذاری^۱ بسیار کم‌رنگ بوده^۲ و تنها در سال‌های اخیر ذیل برخی از سیاست‌ها از جمله برنامه ششم توسعه، به صورت مستقیم و مشخص تلاش‌هایی در جهت کاهش طلاق صورت پذیرفته است. این در حالی است که این موضوع به عنوان یک مسئله اجتماعی در پژوهش‌های دانشگاهی به کرات مورد توجه بوده است.^۳

این گزارش ضمن بررسی تحولات قانونگذاری در مدیریت حوزه «طلاق» تلاش خواهد کرد سیاست‌های عملیاتی کشور را در جهت کاهش طلاق شناسایی کند. در این گزارش از روش تحلیل محتوا مبتنی بر روش کدگذاری محتوا استفاده شده است. به این صورت که ابتدا همه قوانین ایران طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۵۷ که در راستای استحکام نهاد خانواده و طلاق توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده‌اند و جمعیت مورد مطالعه این گزارش به شمار می‌روند (جدول) گزینش و سپس دسته‌بندی و مقوله‌بندی شده‌اند.^۴ بر این اساس مجموعه سؤال‌هایی که این گزارش تلاش خواهد کرد به آنها پاسخ دهد از

۱. نقشه مهندسی کشور (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۲/۳/۸) فصل پنجم: ۱. اولویت‌های فرهنگی
۲. نهاد خانواده و جمعیت: تحکیم خانواده و کاهش طلاق؛ ۳. طرح تقسیم کار ملی برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی (مصوب شورای اجتماعی کشور ۱۳۹۵/۱۰/۸) از جمله آسیب‌ها: طلاق، شاخص‌های اصلی: کاهش طلاق؛ ۴. برنامه ششم توسعه (مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۳۵) ماده (۷۸): طراحی و برنامه‌های لازم، کنترل افزایش طلاق، ماده (۸۰): تکلیف دولت نسبت به تهیه «طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با اولویت طلاق و...» ماده (۱۰۴): تکلیف سازمان بهزیستی در راستای کنترل و کاهش نرخ طلاق به میزان ۲۰ درصد، ماده (۱۱۲): از شاخص‌های توسعه حقوقی و قضایی: نسبت طلاق‌های توافقی به کل طلاق‌های صورت گرفته، ۵. «برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق» مصوب کارگروه ملی کنترل و کاهش طلاق و افزایش ازدواج (مصوب معاونت برنامه‌ریزی و فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۵).
۲. دلیل آن شاید پایین بودن میزان طلاق در جامعه بوده است.
۳. مهناز اخوان تفتی، پیامدهای طلاق در مراحل گذار از آن، مطالعات زنان، سال اول، ش ۳، ۱۳۸۲؛ مهرنوش حیدری، رشد صعودی افزایش نرخ طلاق در کشور، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵؛ سیاوش بهرامی، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهرستان کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۶؛ محمدتقی کرمی، ساخت اجتماعی طلاق در ایران، فصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده، سال اول، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲: ۴۸. و... .
۴. توجه به این نکته ضروری است بخشنامه‌ها و مصوبات هیئت وزیران در این گزارش دیده نشده است.



این قرار است: ۱. قوانین مرتبط با موضوع طلاق در کشور از ابتدای شکل‌گیری نظام تاکنون (۱۳۵۷-۱۳۹۷) چه تحولاتی را طی کرده است؟ ۲. مهم‌ترین سیاست‌های کشور در راستای اجرای «سیاست طلاق حداقلی» را می‌توان در چه مواردی دسته‌بندی کرد؟

مروری بر مجموعه قوانین وضع شده در مجلس شورای اسلامی در حوزه طلاق

نگاهی به قوانین وضع شده در حوزه طلاق نشان می‌دهد در این موضوع با دو دسته قوانین مواجه هستیم. دسته اول قوانینی هستند که به موضوع کلیات وقوع شرعی طلاق (مواد (۱۱۳۳)-(۱۱۴۲) قانون مدنی) اقسام طلاق (مواد (۱۱۴۳)-(۱۱۴۹) قانون مدنی) و عده پس از طلاق (مواد (۱۱۵۰)-(۱۱۵۷) قانون مدنی) پرداخته‌اند. این دسته از احکام که عمدتاً در قانون مدنی تجلی یافته است با تغییر چندانی مواجه نشده‌اند. دسته دوم قوانینی هستند که تلاش نموده‌اند فرایند درخواست طلاق برای زوج و زوجه از منظر صدور حکم طلاق یا گواهی عدم امکان سازش در دادگاه و سپس فرایند ثبت آن در دفاتر طلاق را مشخص نمایند؛ این قوانین با تحولات متعددی مواجه شده‌اند. بنابراین در این بخش همه قوانین مجلس شورای اسلامی از مجلس دوره اول تا نیمه مجلس دوره دهم که در راستای تحکیم نهاد خانواده و طلاق تصویب و ابلاغ شده‌اند (و جمعیت مورد مطالعه این گزارش به‌شمار می‌روند)، گزینش و در جدول همراه با شواهدی دال بر تمرکز یا اشاره قانون به موضوع طلاق به اضافه تاریخ تصویب ارائه شده است. متن قوانین از سامانه رسمی اعلام قوانین و مقررات مانند سامانه قوانین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و کتاب الکترونیکی مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد زنان و خانواده (دوره اول - دوره هشتم) استخراج شده است.^۱

۱. البته قوانین بودجه‌ای هر سال مورد نظر قرار نگرفته است.

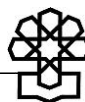
جدول فهرست قوانین

شماره	عنوان قانون	شواهد	تاریخ تصویب و دوره مجلس
۱	لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص ^۱	- صلاحیت دادگاه ← رسیدگی به دعاوی راجع به نکاح، طلاق، فسخ نکاح و... (ماده (۳)) - تقاضای شوهر برای طلاق ← ارجاع به داوری ← عدم سازش ← اجازه طلاق به زوج (تبصره «۲» ماده (۳)) - توافق زوجین بر طلاق ← عدم مراجعه به دادگاه (تبصره «۲» ماده (۳))	۱۳۵۸/۷/۱
۲	قانون اصلاح موادی از قانون مدنی (ماده (۱۱۳۰)) ^۲ به مدت پنج سال آزمایشی	تقاضای طلاق زوجه ← در صورت اثبات عسر و حرج ← اجبار زوج به طلاق ← میسر نشدن ← طلاق به اذن حاکم شرع	۱۳۶۱/۱۰/۸
۳	قانونی شدن تغییر ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی	//	۱۳۷۰/۸/۲۱
۴	قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (ماده واحده)	- زوجین متقاضی طلاق ← مراجعه به دادگاه مدنی خاص و حکمین ← صدور گواهی عدم سازش در صورت عدم سازگاری ← لزوم ثبت طلاق در دفاتر رسمی - در طلاق رجعی ← لزوم ارائه گواهی کتبی مبنی بر اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده.	۱۳۷۱/۸/۲۸

۱. این در حالی است که تا قبل از تصویب «لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص»، براساس قانون راجع به «محاضر شرعی و فقیه صالحیه» از سال ۱۲۹۰ هجری شمسی رسیدگی به دعوی نکاح و طلاق به مدت ۲۰ سال را برعهده داشت. سپس در تاریخ نهم آذر ۱۳۱۰ هجری شمسی «قانون محاکم شرع» به تصویب رسید. براساس آن ارجاع به محکمه شرع باید از طرف محاکم و ادارات مدعی عموم به عمل می‌آمد (ماده (۲)) و رجوع به شرع در برخی از موارد از جمله دعوی راجع به اصل نکاح و طلاق (ماده (۷)) جایز دانسته شده بود. این روند با تصویب قانون دادرسی (۱۸ شهریور ۱۳۱۸) و قانون حمایت خانواده (مصوب تیر ۱۳۲۶) ادامه داشت. البته با تصویب «لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص» دادگاه‌های حمایت خانواده و محاکم شرع منحل شدند (فتح ا.، پاور، دادگاه مدنی خاص در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران؛ مجله حقوقی دادگستر؛ ۱۳۷۰، صص ۱۲۹-۱۱۷).

۲. ماده (۱۱۳۰) - در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرا حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

ماده (۱۱۳۰) - حکم ماده قبیل در موارد ذیل نیز جاری است: ۱. در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او هم بر ایفا ممکن نباشد. ۲. سوء معاشرت شوهر به حدی که ادامه زندگانی زن را با او غیرقابل تحمل سازد. ۳. در صورتی که به واسطه امراض مسریه صعب‌العلاج دوام زناشویی برای زن موجب مخاطره باشد (مصوب مجلس ملی در فروردین ماه ۱۳۱۴).



شماره	عنوان قانون	شواهد	تاریخ تصویب و دوره مجلس
۵	قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب	صلاحیت رسیدگی حاکم دادگاه عمومی در دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق (تبصره «۳» ماده (۳))	۱۳۷۳/۴/۲۲
۶	قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های عمومی به دادگاه‌های خانواده براساس اصل بیست و یکم قانون اساسی (ماده واحد ^۱)	- اختصاص شعبی از دادگاه‌های عمومی به دادگاه خانواده، - صلاحیت دادگاه خانواده رسیدگی به طلاق، فسخ نکاح و... - شروع رسیدگی و صدور حکم با استفاده از مشاور قضایی زن	۱۳۷۶/۵/۸
۷	قانون الحاق یک تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی	تعریف عسر و حرج برای درخواست طلاق از سوی زوجه ^۲ مصادیق عسر و حرج ← ترک زندگی، اعتیاد زوج، محکومیت قطعی زوج، ضرب و شتم، ابتلا زوج به بیماری صعب‌العلاج و...	۱۳۷۹/۷/۳
۸	قانون اصلاح موادی از قانون مدنی (اصلاح ماده (۱۱۳۳))	- ضابطه‌مند کردن حق طلاق زوج - مشخص کردن مواد قانون مدنی برای تقاضای طلاق زوج	۱۳۸۱/۸/۱۹
۹	قانون حمایت از خانواده	- تشکیل دادگاه خانواده ظرف سه سال از تصویب قانون و حضور قاضی مشاور زن در آن و... (مواد (۱) و (۲)) - ایجاد مراکز مشاوره در کنار دادگاه‌های خانواده جهت حصول صلح و سازش (ماده (۱۶)) - ارجاع زوجین متقاضی طلاق توافقی به مراکز مشاوره (ماده (۲۵)) - ارجاع همه موارد درخواست طلاق بجز طلاق توافقی به داوری (ماده (۲۷)) - و...	۱۳۹۱/۱۲/۱

۱. این قانون در قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱) فسخ شد.
۲. به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد.

شماره	عنوان قانون	شواهد	تاریخ تصویب و دوره مجلس
۱۰	قانون برنامه ششم توسعه	<p>- طراحی و اجرای برنامه‌های لازم در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی ... و به منظور کنترل افزایش طلاق (ماده (۷۸))</p> <p>- تکلیف دولت بر تهیه طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی با اولویت طلاق و... (ماده (۸۰))</p> <p>- مکلف ساختن سازمان بهزیستی بر استفاده از ظرفیت مراکز مشاوره در جهت پیشگیری از بحران‌های خانوادگی و وقوع طلاق (بند «الف» ماده (۱۰۴))</p> <p>- ترویج ضدارزش بودن طلاق در برنامه‌های صدا و سیما (بند «ب» ماده (۱۰۴))</p> <p>- اقدام سازمان بهزیستی در جهت مشاوره رایگان به زوجین فاقد تمکن مالی در راستای تحکیم خانواده (بند «الف» ماده (۱۱۳))</p> <p>کاهش درصد نسبت طلاق توافقی نسبت به کل طلاق‌های صورت گرفته در جهت ارتقای شاخص‌های توسعه حقوقی و قضایی (بند «د» ماده (۱۱۳))</p>	۱۳۹۵/۱۲/۱۴

همان‌طور که ملاحظه می‌شود طی سال‌های مورد بررسی ۱۰ قانون به‌صورت خاص و مستقیم به مسئله طلاق پرداخته است. تنها موردی که کاهش طلاق در متن قانون صراحتاً ذکر شده قانون برنامه ششم توسعه است و سایر قوانین در حقیقت به دنبال ضابطه‌مند کردن فرایند طلاق بوده‌اند.



سنخ‌شناسی قوانین مرتبط با طلاق

۱. ایجاد ساختار در رسیدگی به درخواست طلاق

نگاهی به اصل بیست‌ویکم قانون اساسی نشان می‌دهد که در این اصل دولت موظف شده که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و برای استحکام و حفظ کیان و بقای خانواده، دادگاه صالح ایجاد کند. بررسی محتوای قوانین وضع شده، نشان می‌دهد که یکی از تلاش‌های قانونگذار در این مسیر واگذاری صلاحیت رسیدگی به دعاوی خانوادگی به ساختاری جدید تحت عنوان دادگاه‌های اختصاصی خانواده به منظور رسیدگی جامع، سریع و تخصصی در فضایی مجزا از سایر دعاوی است تا شاید بدین وسیله از طلاق‌های غیرضروری جلوگیری کنند. در ادامه تحولات تقنینی مرتبط با این ساختارها بررسی خواهد شد:

مرحله اول - تشکیل دادگاه مدنی خاص

نخستین قانونگذاری صورت گرفته در رسیدگی به دعاوی خانوادگی به مهرماه ۱۳۵۸ و تصویب «لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص» توسط شورای انقلاب باز می‌گردد.^۱ براساس ماده (۳) قانون، مقرر شد دادگاه مدنی خاص در محیطی متفاوت به دعاوی و

۱. این درحالی است که تا قبل از تصویب «لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص»، براساس قانون راجع به «محاضر شرعی و فقیه صالحیه» از سال ۱۲۹۰ هجری شمسی رسیدگی به دعوی نکاح و طلاق به مدت ۲۰ سال را برعهده داشت. سپس در تاریخ نهم آذر ۱۳۱۰ هجری شمسی «قانون محاکم شرع» به تصویب رسید. براساس آن ارجاع به محکمه شرع باید از طرف محاکم و ادارات مدعی عموم به عمل می‌آمد (ماده (۲)) و رجوع به شرع در برخی از موارد از جمله دعوی راجع به اصل نکاح و طلاق (ماده (۷)) جایز دانسته شده بود. این روند با تصویب قانون دادرسی (۱۸ شهریور ۱۳۱۸) و قانون حمایت خانواده (مصوب تیر ۱۳۲۶) ادامه داشت. البته با تصویب «لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاص» دادگاه‌های حمایت خانواده و محاکم شرع منحل شدند (فتح ا.، یآوری، دادگاه مدنی خاص در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱، صص ۱۲۹-۱۱۷، ۱۳۷۰).

اختلافات خانوادگی و براساس موازین شرع مقدس اسلام و قانون رسیدگی کند.^۱ تا در این محیط قضایی به دور از هیاهوی سایر دعاوی با آرامش کامل به دعاوی خانوادگی رسیدگی کرده و از این طریق بتواند از طلاق‌های غیرضرور جلوگیری به عمل آورد و آن را به حداقل برساند. در این قانون صلاحیت دادگاه، نحوه رسیدگی، صدور رأی و مرجع تجدیدنظر آرای دادگاه مدنی خاص مشخص شده است.

این قانون به مدت ۱۵ سال اعتبار داشت. در فاصله سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۵۸ که دادگاه مدنی خاص به دعاوی زناشویی و اختلافات خانوادگی رسیدگی می‌کرد تراکم کار، افزایش تعداد پرونده‌ها و اطاله دادرسی که ناشی از ناتوانی دستگاه قضایی در حل و فصل سریع و عادلانه دعاوی بود، موجب نارضایتی مردم شد. بروز اختلاف در امر صلاحیت دادگاه‌های مدنی خاص و دادگاه‌های حقوقی و عمومی دادگستری نیز موجب شد که هیئت عمومی دیوان عالی کشور در مقام ایجاد وحدت رویه قضایی به این اختلافات رسیدگی و رأی وحدت رویه صادر کند.^۲ با تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در پانزدهم تیر ۱۳۷۳ رسیدگی به دعاوی خانوادگی در صلاحیت دادگاه‌های عمومی قرار گرفت و بند «۳» اصل بیست‌ویکم قانون اساسی موضوع تشکیل «دادگاه صالح» برای حفظ و بقای خانواده، مسکوت ماند.

۱. ماده (۲). صلاحیت دادگاه خانواده به شرح زیر است: ۱. دعاوی راجع به نکاح و طلاق و فسخ نکاح و مهر و نفقه زوجه و سایر اشخاص واجب‌النفقه و حضانت. ۲. دعاوی راجع به نسب و وصیت و وقف و ثلث و حبس و تولیت و وصایت. ۳. نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها. ۴. سایر دعاوی حقوقی به تراضی طرفین دعوی و رسیدگی به دعاوی مطالبه اجرت‌المثل زوجه پس از طلاق. ۵. دادگاه‌های مدنی خاص می‌توانند در امور جزایی که با دعاوی حقوقی مطروحه در آن دادگاه ارتباط مستقیم پیدا می‌کند رسیدگی نموده حکم مقتضی را طبق مقررات صادر نمایند.

۲. همان.



مرحله دوم - واگذاری وظیفه به دادگاه‌های عمومی (از بین رفتن دادگاه تخصصی برای دعاوی خانوادگی)

از سال ۱۳۷۳ با تصویب «قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» نظام قضایی کشور متحول شد و ضمن اینکه دادرها اساساً برچیده شد، دادگاه‌ها از جمله دادگاه مدنی خاص هم تغییر یافت و یک دادگاه به نام دادگاه عمومی تشکیل شد. بر این اساس رسیدگی به دعاوی خانوادگی به همراه سایر دعاوی به دادگاه‌های عمومی واگذار شد.^۱ اما واگذاری رسیدگی دعاوی خانوادگی به دادگاه‌های عمومی موضوع «قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب»، مشکلات بیشتری را برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی از جمله طلاق ایجاد کرد. رسیدگی دادگاه به انواع جرائم و دعاوی خصوصی در کنار دعاوی خانوادگی مانند طلاق، نفقه، حضانت و غیره موجب شد که قاضی دادگاه نتواند با صبر و حوصله به دعاوی زناشویی و اختلافات خانوادگی رسیدگی کند و سعی در اصلاح بین زوجین کند. همه این مشکلات موجب شد که اجرای اصل بیست‌ویکم قانون اساسی و تشکیل دادگاه صالح مورد توجه بعضی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.^۲ «طرح اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل بیست‌ویکم قانون اساسی (دادگاه خانواده)» در ۱۳۷۵/۷/۱۷ تقدیم مجلس کند تا مسائل و مشکلات خانواده به صورت تخصصی مورد نظر، دقت و بررسی قرار گیرد.

۱. هرچند در تبصره «۳» ماده (۲) «حاکم دادگاه عمومی در دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق در صورتی صلاحیت رسیدگی دارد که اجازه مخصوص از طرف رئیس قوه قضائیه داشته باشد». و ماده (۴) - «به رئیس قوه قضائیه اختیار داده می‌شود در هر حوزه قضایی که لازم باشد با لحاظ نوع دعاوی و تجربه و تبحر قضات هر یک از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی به دعاوی: حقوقی، کیفری، احوال شخصی و امثال آن اختصاص دهد». نشان‌دهنده توجه به مسائل خانواده در تشکیل دادگاه‌های عمومی بوده است. با این حال نمایندگان مجلس در دوره پنجم مجلس وجود این مواد را در قانون کافی ندانسته و طرح اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های خانواده را مطرح کردند.

۲. مشروح مذاکرات مجلس پنجم، جلسه ۷۲، تاریخ ۱۳۷۵/۱۱/۳۰.

مرحله سوم - تأسیس دادگاه اختصاصی خانواده^۱

در هشتم مردادماه ۱۳۷۶ با تصویب مجلس شورای اسلامی و براساس ماده‌واحد «اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل بیست‌ویکم قانون اساسی (دادگاه خانواده)» مقرر شد تعدادی از شعب دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی اختصاص یابد.^۲ از اهداف مهم تصویب‌کنندگان این قانون می‌توان به ایجاد فضایی آرام و با رویکرد تخصصی‌تر جهت رسیدگی به مسائل و مشکلات خانواده‌ها نام برد تا بدین وسیله قاضی تلاش کند تا رابطه عاطفی و معنوی را بین زن و شوهر برقرار کرده و از طلاق‌های غیرضروری جلوگیری به عمل آورد. در راستای این هدف قانونگذار بعضی از موضوعاتی را که رسیدگی به آنها سابقاً در صلاحیت دادگاه مدنی خاص بوده - مانند وصیت و وصایت، وقف، ثلث، حبس، تولیت - رسیدگی به سایر دعاوی حقوقی با تراضی طرفین و رسیدگی به امور جزایی که با دعوی حقوقی مطروحه ارتباط مستقیم داشته باشد را در صلاحیت دادگاه‌های عمومی دادگستری باقی گذاشت و از صلاحیت اختصاصی خانواده خارج کرد.^۳

اما مشکل دیگر در دادگاه‌های خانواده، نبود آیین دادرسی خاص برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی بود. پس دادگاه‌ها مجبور بودند که به موادی از قوانین پراکنده در حیطه دعاوی

۱. این قانون براساس بند «۱۱» ماده (۵۸) قانون حمایت جدید خانواده (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱) فسخ شد.
 ۲. بنابراین صلاحیت دادگاه خانواده براساس ماده‌واحد عبارت است از: ۱. نکاح موقت و دائم، ۲. طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای مدت، ۳. مهریه، ۴. جهیزیه، ۵. اجرةالمثل و نخله ایام زوجیت، ۶. نفقه معوقه و جاریه زوج و اقرباي واجب‌النفقه، ۷. حضانت و ملاقات اطفال، ۸. نسب، ۹. نشوز و تمکین، ۱۰. نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها، ۱۱. حکم رشد، ۱۲. ازدواج مجدد، ۱۳. شرایط ضمن عقد، ۱۴. درخواست اهدای جنین طبق قانون نحوه اهدای جنین مصوب ۱۳۸۳ (الحاقی).
 ۳. فتح ا.، یآوری، دادگاه خانواده در نظام قضایی ایران؛ فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، دوره ۱۳، ش ۴۸، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۷۷.



خانوادگی مراجعه کنند. ازسوی دیگر، دادگاه‌های خانواده از حیث رسیدگی، صدور حکم و اجرای تصمیمات، تابع قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ بودند.^۱ مشکلات ناشی از عدم انطباق این قانون عام و ضرورت به کارگیری تشریفات متناسب با دعاوی خانوادگی، قوه قضائیه را بر آن داشت که به تدوین «لایحه حمایت خانواده» همت گمارد. به همین دلیل بسیاری از مواد لایحه حمایت خانواده به مقررات شکلی دادگاه‌های خانواده پرداخته بود؛ امید تدوین‌کنندگان لایحه آن بود که تصویب این لایحه بتواند تا حدودی از اتخاذ تصمیم‌ها و روش‌های معارض در دادگاه‌های خانواده پیشگیری کند.^۲

فصل اول لایحه تحت عنوان «دادگاه خانواده» به تشکیلات دادگاه خانواده، حضور قاضی مشاور زن، صلاحیت دادگاه خانواده، نحوه رسیدگی به دعاوی خانواده و... پرداخته و براساس این فصل قوه قضائیه موظف شده ظرف سه سال از تاریخ تصویب این قانون در همه حوزه‌های قضایی شهرستان به تعداد کافی شعبه دادگاه خانواده تشکیل دهد و تا زمان تشکیل دادگاه خانواده در شهرستان‌ها، دادگاه‌های عمومی با رعایت مواد قانون حمایت از خانواده موظف به رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی بودند.

لایحه پس از انجام تغییرات و اصلاحاتی ازسوی دولت در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۴/۳ هیئت وزیران تصویب و در تاریخ ۱۳۸۶/۵/۱ به مجلس شورای اسلامی تقدیم پس از بررسی‌های طولانی در مجلس در نهایت در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. با تصویب این قانون و براساس بند «۱۰» ماده (۵۸) قانون جدید حمایت از خانواده برخی قوانین از جمله قانون «اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه خانواده مصوب ۱۳۷۶/۵/۸»،

۱. همان، ص ۷۸.

۲. اشاره شده در مقدمه لایحه حمایت از خانواده که قوه قضائیه تهیه شده بود.

ملغی شد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی با تصویب قانون حمایت از خانواده «دادگاه‌های خانواده» را به لحاظ ساختاری موظف به رسیدگی به دعاوی مرتبط با طلاق کرد.

۲. ضابطه‌مند کردن فرایند اجرای حق طلاق مردان

در اسلام حق طلاق با مردان است و به موجب قانون مدنی، طلاق از اختیارات مرد دانسته شده به بیان دیگر، طلاق عمل حقوقی یک‌جانبه‌ای است که با اعلام اراده یک طرفه مرد یا نماینده او واقع می‌شود. قانونگذار تلاش کرده در سال‌های مختلف حق طلاق مردان را ضابطه‌مند کند؛ در ادامه تحولات تقنینی این موضوع بررسی خواهد شد:

مرحله اول - درخواست طلاق از دادگاه و رجوع به داوری

پس از پیروزی انقلاب لایحه قانونی «تشکیل دادگاه مدنی خاص» به تصویب رسید و در تبصره «۲» ماده (۳) قانون مذکور، تصریح شد که «موارد طلاق، همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده...» از جمله آنکه «مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد» (ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی مصوب شورای ملی ۱۳۱۴) ولی در عین حال، محدودیتی برای اقدام مرد به طلاق پیش‌بینی شد و براساس همان تبصره و با استناد به ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی مرد ابتدا باید تقاضای طلاق از دادگاه کند و دادگاه نیز برحسب آیه کریمه: «فان خفتم شقاق بینهما...» موضوع را به داوری ارجاع دهد و در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشد، اجازه طلاق به زوج خواهد داد و در مواردی که بین زوجین برای طلاق توافق شده باشد، براساس لایحه مراجعه به دادگاه لازم نیست.



مرحله دوم - طولانی تر شدن فرایند طلاق و حمایت از حقوق مالی زنان در حین طلاق

در سال ۱۳۶۸ برخی نمایندگان مجلس دوره سوم ماده واحده «طرح قانونی اصلاح مقررات مربوط به طلاق»^۱ را به مجلس ارائه کردند و در تاریخ ۲۸ آبان ماه ۱۳۷۱ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. دلیل طراحان این بود که با ایجاد موانعی بر سر راه زوجین از طلاق‌های غیرضروری جلوگیری به عمل آورند. این موانع عبارتند از: مانع اول، همه زوج‌هایی که قصد جدایی از یکدیگر را دارند باید در دادگاه اقامه دعوی کنند تا بدین وسیله هم از طلاق‌های توافقی کاسته شود و مانع دوم، معرفی حکمین از سوی زوجین متقاضی طلاق برای حل و فصل مشکل و کدخدامنشی بین آنها بود. مانع سوم، داشتن گواهی عدم امکان سازش از سوی دادگاه برای ثبت رسمی طلاق در دفاتر رسمی است.^۲ مانع چهارم، تکمیل و ثبت طلاق با گواهی کتبی بر اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک در طلاق رجعی است که به امضای زوجین و حکمین و سردفتر رسیده باشد.

علاوه بر موارد یادشده، قانونگذار در این ماده واحده تلاش کرده تا در مقابل حق طلاق مرد از حقوق مالی زنان دفاع کند. بر این اساس در قانون مقرر شده هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا

۱. این ماده واحده (بجز بند «ب» تبصره «۶» مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۲۱ و نیز قانون تفسیر تبصره‌های «۲» و «۶» قانون مذکور مصوب ۱۳۷۲/۶/۳) براساس بند «۸» ماده (۵۸) قانون جدید حمایت از خانواده فسخ گردید.

۲. هرچند این موانع بعدها به دلیل عدم تعیین مدت اعتبار مشکلاتی را برای برخی از زوجین متقاضی طلاق به وجود آورد. به گونه‌ای که عدم حضور در دفترخانه برای ثبت طلاق براساس گواهی دست‌آویزی شده بود برای اذیت کردن برخی از زنان و مردان نسبت به یکدیگر. پس بر این اساس «قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش» در ۱۳۷۶/۸/۱۱ مجدداً به تصویب مجلس رسید. مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش را سه ماه تعیین کرده است. قانون دیگری که در خصوص طلاق در سال ۱۳۷۵ از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، ماده (۶۴۵) قانون مجازات اسلامی است که در آن برای مردی که بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم یا طلاق کند، مجازات حبس تعزیری تا یک سال در نظر گرفته شد. این دو قانون براساس بند «۹» و «۱۱» ماده (۵۸) قانون جدید حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱) فسخ گردید.

سوءاخلاق و رفتار وی نباشد، چنانچه زن کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و به دستور زوج و با قصد عدم تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود؛ دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته به اضافه سنوات زندگی مشترک و با توجه به وسع مالی زوج مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه محاسبه، تعیین می‌کند و پرداخت آن را به زوج حکم می‌کند.

مرحله سوم - تأکید مجدد بر مراجعه مرد به دادگاه و تقاضای طلاق

براساس ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۲۰ «مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.» این ماده در دوره ششم مجلس شورای اسلامی مورد بازنگری قرار گرفت و در ۱۳۸۱/۸/۱۹ مقرر شد که «مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید و زن نیز می‌تواند با وجود شرایط مقرر در مواد (۱۱۱۹)¹، (۱۱۲۹)² و (۱۱۳۰)³ این قانون، از دادگاه تقاضای طلاق نماید.» بررسی مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص تصویب این قانون بیانگر آن است که طراحان آن برخلاف سایر موادی که در قبل ذکر شد دلیل و یا شاهی برای تغییر این ماده از قانون مدنی ذکر نمی‌کنند و این تغییر ماده‌ای بدون هیچ بحثی

۱. ماده (۱۱۱۹) - طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترك انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد.

۲. ماده (۱۱۲۹) - در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

۳. ماده (۱۱۳۰) - در صورتی که دوام زوجیت موجب عسرورجح زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسرورجح مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود. ...



ظرف مدت کمتر از یک سال به تصویب نمایندگان و سپس شورای نگهبان می‌رسد.^۱ بدین ترتیب اگرچه در قوانین کشور ما حق طلاق با مرد است با این حال او نمی‌تواند بدون مراجعه به دادگاه و حکم قاضی به ثبت طلاق اقدام کند. این درحالی است که ضمانت اجرای این مواد، فقط در مجازات کیفری مردی است که بدون مراجعه به دادگاه، همسر خود را طلاق می‌دهد و گرنه طلاق در هر حال با حضور دو شاهد عادل و سایر شرایط چه با اجازه دادگاه و چه بدون اجازه آن، واقع می‌شود.

۳. تسهیل حق درخواست طلاق برای زنان

مرحله اول - گنجانیدن واژه «عسرورج» در قانون مدنی

تا پیش از انقلاب اسلامی، قانونگذار^۲ در ماده (۱۳۰) در سه مورد برای زن حق درخواست طلاق قرار داده و در ماده (۱۲۹) در سه حالت به بیان مواردی که می‌تواند موجب سختی و مشقت برای زن در زندگی خانوادگی شود، پرداخته بود؛ اما صراحتاً در مواد قانون

۱. تاریخ اعلام وصول طرح: ۱۳۸۰/۱۰/۲۶؛ تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی: ۱۳۸۱/۸/۱۹؛ تاریخ تأیید شورای نگهبان: ۱۳۸۱/۹/۴.

۲. قبل از انقلاب اسلامی، مقنن علاوه بر مواردی که در ماده (۱۳۰) برای ایجاد درخواست طلاق از سوی زوج قائل شده بود، در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۲ در ماده (۸) زوجین را مجاز دانسته بود در صورت احراز موارد احصایی در چهارده بند (توافق زوجین بر طلاق، امتناع زوج از انفاق به زوجه و عدم امکان الزام وی به تأدیه نفقه، عدم تمکین زن از شوهر، سوءمعاشرت هریک از زوجین به حدی که غیرقابل تحمل باشد، ابتلا به امراض صعب‌العلاج که زندگی را برای طرف دیگر مخاطره‌آمیز کند، جنون زوجین به گونه‌ای که موجب فسخ نکاح نباشد، عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافعی با مصالح خانوادگی یا حیثیات شوهر یا زن باشد، محکومیت قطعی هریک از زوجین به گونه‌ای که به بازداشت پنج سال یا بیشتر وی منجر شود، اعتیاد مضر که موجب اختلال در زندگی زناشویی شود، ازدواج مجدد زوج یا عدم اجرای عدالت درباره همسران، ترک زندگی خانوادگی توسط هریک از زوجین، محکومیت قطعی هریک از زوجین در اثر ارتکاب به جرمی که مغایر با حیثیت طرف دیگر باشد، عقیم بودن یکی از زوجین، مفقودالائز بودن یکی از زوجین) با مراجعه به دادگاه مدنی خاص تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش کند. اما از نظر برخی‌ها این ماده به دلایلی مانند فقدان پایه شرعی، تعارض با ماده (۱۲۳) قانون مدنی (مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق دهد) و تصویب لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ که موارد طلاق را به قانون مدنی و احکام شرع محدود گردید، سبب شد این ماده به‌طور ضمنی نسخ شود (لیلا اسدی، جایگاه عسرورج - قانون و رویه، فقه و حقوق خانواده، تابستان و پاییز ۱۳۸۲، صص ۴-۷).

مدنی واژه **عسرو حرج** به عنوان علت طلاق مورد اشاره قرار نگرفته بود. در سال ۱۳۶۱ و با اصلاح ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی در کمیسیون امور قضایی واژه عسرو حرج وارد قانون شد و به مدت پنج سال به صورت آزمایشی به شرح ذیل به تصویب رسید: «در مورد زیر زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نماید. در صورتی که برای محکمه ثابت شود که دوام زوجیت موجب عسرو حرج است، می‌تواند برای جلوگیری از ضرر و حرج، زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورت میسر نشدن به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.»

برای دائمی شدن ماده (۱۱۳۰) مصوب ۱۳۶۱، قانونگذار در ۱۳۷۰/۸/۱۴ آن را به شکل زیر اصلاح و به صورت قانون تصویب نمود: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسرو حرج زوجه باشد، می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسرو حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.»

مرحله دوم - توسعه مصادیق عسرو حرج

در ۱۳۷۷/۴/۳۱ دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، طرح «الحاق یک تبصره به ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی» از سوی برخی نمایندگان ارائه شد. دلیل اصلی طراحان طرح، کلی بودن واژه «عسرو حرج» در ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی اعلام شده بود که مشکلاتی را از جمله نبود وحدت رویه در محاکم خانواده و طولانی شدن رسیدگی به پرونده‌های طلاقی که زنان درخواست طلاق بر اثر عسرو حرج را داشتند، دامن زده بود. در تبصره الحاقی که در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۲۹ با تغییراتی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام



رسید، در ابتدا منظور از عسروجرح موضوع ماده (۱۱۳۰) مورد تعریف واقع شد^۱ و سپس پنج مورد از مواردی که مصادیق عسروجرح محسوب می‌شود، به ماده اضافه شد که از جمله این موارد می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. ترک زندگی خانوادگی،...
۲. اعتیاد زوج ...
۳. محکومیت قطعی زوج به حبس ...
۴. ضرب و شتم ...
۵. ابتلای زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج ...

هرچند قانونگذار در انتهای تبصره به این نکته اشاره کرده که موارد مندرج در این تبصره مانع از سایر مواردی که دادگاه از مصادیق عسروجرح بداند، نمی‌باشد. آنچه در این زمینه حائز اهمیت است قانونگذار **صرف تحقق این موارد را مصادیق عسروجرح ندانسته** و مصوب کرده که موارد مذکور در صورت **احراز توسط دادگاه صالح** از مصادیق عسروجرح محسوب می‌شود. بدین ترتیب اگرچه قانونگذار تلاش کرده در شرایط خاص و به منظور احیای حقوق زنان امکان درخواست طلاق را برای آنان فراهم آورد با این حال واگذاری تشخیص مصادیق عسروجرح به قاضی مانع از آسان شدن امکان طلاق زنان شده است.

۱. عسروجرح موضوع این ماده عبارت است از به‌وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوج با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد.

۴. سعی در ایجاد مصالحه و سازش در بین زوجین متقاضی طلاق

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده شد به حداقل رساندن طلاق همواره مد نظر قانونگذاران نظام بوده به‌صورتی که برای نیل به هدف مذکور و به منظور یافتن راه‌حلی که بتواند طلاق را کاهش دهند، ابزاری مانند داوری (حکمیت) و انجام مشاوره در حین درخواست طلاق را در قوانین مرتبط با خانواده در جهت «صلح و سازش» زوجین در آستانه طلاق گنجانده‌اند.

۴-۱. داوری در جهت صلح و سازش زوجین متقاضی طلاق

داوری (حکمیت) راهکار قرآن کریم (سوره نساء آیه ۳۵) برای تحکیم خانواده و حلّ مناقشات خانوادگی است. قرآن کریم به اقوام زوجین دستور می‌دهد که با مشاهده نشانه‌های اختلاف و ناسازگاری، با حضور نزدیکان زن و شوهر محکمه صلح خانوادگی تشکیل دهند تا بین دو طرف نزاع، صلح و سازش ایجاد کنند. این حکم قرآن کریم مورد توجه قانونگذاران پیش و بعد از انقلاب قرار گرفته به‌گونه‌ای که در قوانین مربوط به خانواده گاهی از اصطلاح «حکمیت» و گاهی نیز از اصطلاح «داوری» بهره برده و در هر زمان متناسب با شرایط و مقتضیات روز مقرراتی را درخصوص داوری وضع کرده‌اند. در ادامه سیر تحول موضوع داوری در قوانین خانواده بعد از انقلاب^۱ اشاره می‌شود.

۱. نخستین بار قانونگذار در ماده (۱۷۱) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ عنوان داوری را در دعاوی و اختلافات خانوادگی مطرح کرده و موضوع داوری در این قانون «اختلاف بین زن و شوهر» است. این تعبیری عام و شامل هر نوع دعوی میان زوجین می‌شود. به‌گونه‌ای که براساس این قانون دعاوی سوءرفتار، عدم تمکین، نفقه، کسوه و هزینه نگهداری طفل در صورت درخواست هریک از طرفین دعاوی به داوری ارجاع می‌شده است. البته قانونگذار با اینکه دایره اختیارات داوران را در این قانون نسبت به دعاوی خانوادگی وسیع دیده اما در کنار آن، نوعی داوری اختیاری را پیش‌بینی کرده بود. به نحوی که عبارت «دادگاه‌ها می‌توانند به درخواست هریک از طرفین، دعوی را ارجاع به داوری نموده ...» در ماده (۱۷۱) بر اختیاری بودن داوری صراحت دارد.

دومین بار قانونگذار در قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ است؛ در ماده (۶) این قانون آمده: «دادگاه در صورت تقاضای هریک از طرفین مکلف است، موضوع دعوی را به استثنای رسیدگی به اصل نکاح



مرحله اول

روند تکیه حل اختلافات خانوادگی طرح شده در دادگاه‌های دادگستری به داوری، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه یافت و قانونگذار نظام اسلامی در تبصره «۲»^۱ ماده (۳) قانون تشکیل دادگاه‌های مدنی خاص (مصوب ۱۳۵۸/۷/۱) مجدداً بحث داوری را مطرح کرد؛ در این قانون موضوع و قلمرو داوری فقط مخصوص دادخواست طلاق و آن هم از سوی زوج در نظر گرفته شده بود. در این قانون ارجاع به داوری در صورتی که مرد دادخواست طلاق داده باشد، اجباری است.

مرحله دوم

در بیست‌وهشتم مهرماه ۱۳۷۰ قانون «اصلاح مقررات مربوط به طلاق» مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام^۲ محدوده قلمرو داوری را وسیع‌تر کرد به‌صورتی که دربردارنده همه دادخواست‌های طلاقی که از سوی زوج، زوجه و یا توافق هر دو آنها باشد، می‌گشت.

و طلاق به يك تا سه داور ارجاع نماید. همچنین دادگاه در صورتی که مقتضی بداند رأساً نیز دعوی را به داور ارجاع خواهد کرد...». به موجب این قانون، دایره اختیارات داوران برای رفع اختلاف زوجین نسبت به ماده (۶۷۶) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ کاسته شد و دیگر موضوع دعوی درخصوص اصل نکاح و طلاق به داوران ارجاع داده نشد؛ اما در این قانون دو نوع داوری اجباری و اختیاری را قانونگذار پیش‌بینی کرده بود، ابتدا ماده به داوری اجباری اشاره می‌کند. لذا دادگاه به درخواست زوجین «مکلف» است، دعوی را به داوری ارجاع کند. حال اگر زوجین از دادگاه درخواست مراجعه به داوری نکنند؛ در صورتی که دادگاه لازم بداند، می‌تواند دعوی را به داوری ارجاع کند.

۱. تبصره «۲»- موارد طلاق همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده ولی در مواردی که شوهر به استناد ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی تقاضای طلاق می‌کند دادگاه بدواً حسب آیه کریمه (فان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها فان یرید اصلاحاً بوقف الله بینهما ان الله کان علیما خبیراً) موضوع را به داوری ارجاع می‌کند و در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشود اجازه طلاق به زوج خواهد داد. در مواردی که بین زوجین راجع به طلاق توافق شده باشد، مراجعه به دادگاه لازم نیست. حکم این تبصره در دادگاه‌های عمومی دادگستری نیز لازم‌الرعایه است.

۲. «زوج‌هایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند باید جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند. چنانچه اختلاف فیما بین از طریق دادگاه و حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاهند (آن‌طور که قرآن کریم فرموده است) حل و فصل نگردید دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفتر رسمی طلاق خواهد فرستاد...».

علاوه بر این براساس این قانون ارجاع زوجین دارای اختلاف به داور برای صدور حکم عدم امکان سازش الزامی و اجباری شد. صدور حکم عدم سازش نیز براساس این قانون، به دادگاه‌های مدنی خاص واگذار شد (ماده (۳))^۱، اگرچه همچنان حق طلاق (با توجه به احکام شرع و قانون مدنی ماده (۱۱۳۳) مصوب ۱۳۱۴) در اختیار مرد تلقی می‌شود البته با این قید که در صورتی که مرد تقاضای طلاق کند موضوع باید به داوری^۲ (اجباری) ارجاع شود و در صورت عدم سازش بین زوجین اجازه طلاق به مرد داده شود و در مواردی که بین زوجین راجع به طلاق توافق شده باشد، مراجعه به دادگاه لازم نیست.^۳

قانونگذار تلاش کرده در این قانون از سویی با اجباری کردن داوری در مواردی که مرد متقاضی طلاق بوده از برخی طلاق‌های غیرضروری و همچنین سوءاستفاده مردان از حق طلاق جلوگیری کند و از سوی دیگر، در صورت توافق زوجین به طلاق از مراجعه آنها به دادگاه‌ها جلوگیری کرده و روند اجرای امر طلاق توافقی سریع‌تر انجام پذیرد.

۱. تبصره «۲»- موارد طلاق همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده ولی در مواردی که شوهر به استناد ماده (۱۱۳۳) قانون مدنی تقاضای طلاق می‌کند دادگاه بدواً حسب آیه کریمه (فان خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکماً من اهله و حکماً من اهلها فان برید اصلاحاً بوقی الله بینهما ان الله کان علیما خبیراً) موضوع را به داوری ارجاع می‌کند و در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشود اجازه طلاق به زوج خواهد داد. در مواردی که بین زوجین راجع به طلاق توافق شده باشد، مراجعه به دادگاه لازم نیست. حکم این تبصره در دادگاه‌های عمومی دادگستری نیز لازم‌الرعایه است.

۲. اگر از اختلاف میان زن و شوهر آگاه شدید، داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن برگزینید. اگر آن دو را قصد اصلاح باشد خدا میانشان موافقت پدید می‌آورد که خدا دانا و آگاه است. سوره نساء، آیه ۳۵. این درحالی است که در قوانین قبل از انقلاب نیز قوانین مربوط به داوری در قوانین مربوط به خانواده گنجانده شده بود که عبارتند از: ۱. در ماده (۶۷۶) قانون دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ داوری در همه موضوعات زندگی خانوادگی در قانون گنجانده شد. مطابق این ماده، ارجاع به امر داوری با تقاضای یکی از طرفین صورت می‌گرفت و دادگاه الزامی به ارجاع امر به داوری نداشت. ۲. در ماده (۶-۵) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ راجع به داوری است. در این قانون اولاً داوری اختصاص به طلاق ندارد و همه اختلافات خانوادگی قابل ارجاع به داوری است. ثانیاً ارجاع امر به داوری با تقاضای هر یک از طرفین صورت می‌گیرد. ثالثاً دادگاه ملزم به ارجاع امر به داوری است.

۳. اما در بند «۱» ماده (۸) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۵۳ در صورت توافق زوجین برای طلاق باید از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم سازش می‌نمود و دادگاه در صورت احراز آن موارد گواهی عدم سازش را صادر می‌کرد.



مرحله سوم

در «قانون حمایت خانواده»^۱ (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱) نیز همانند قوانین گذشته در همه موارد درخواست طلاق، بجز طلاق توافقی، ارجاع به داوری به منظور ایجاد صلح و سازش مورد تأکید قرار گرفت و نیز اینکه دادگاه باید با توجه به نظر داوران نظر خود را اعلام و در صورت عدم پذیرش، نظر داوران را با ذکر دلیل رد کند. اما تعیین تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه، اطفال و ... برعهده دادگاه گذاشته شده تا در این زمینه‌ها تصمیم نهایی را اتخاذ کند.^۲

۴-۲. الزام به ارجاع زوجین متقاضی طلاق به مشاوره

راه‌حل دیگری که قانونگذار^۳ علاوه بر ارجاع به داوری در جهت کاهش آمار طلاق و تلاش در ایجاد صلح و سازش زوجین در حین طلاق و استحکام بخشیدن به بنیان خانواده در قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱) تصویب کرده، ایجاد مراکز مشاوره‌ای خانواده (ظرف سه سال) در کنار دادگاه‌های خانواده توسط قوه قضائیه است که منظور از آن ایجاد فرصتی دیگری است که زوجین متقاضی طلاق توافقی با مراجعه اجباری به مراکز مشاوره از طلاق منصرف شوند. به‌صورتی که «در مناطقی که مراکز مشاوره خانواده وابسته به سازمان بهزیستی وجود دارد از ظرفیت آن مراکز استفاده کند» (ماده (۱۶)).

۱. ماده (۲۷)- «در کلیه موارد درخواست طلاق، بجز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند».

۲. ماده (۲۹)- «دادگاه ضمن رأی خود با توجه به شروط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج، تکلیف جهیزیه، مهریه و نفقه زوجه، اطفال و حمل را معین و همچنین اجرت‌المثل ایام زوجیت طرفین مطابق تبصره ماده (۲۳۶) قانون مدنی تعیین و در مورد چگونگی حضانت و نگهداری تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند».

۳. البته طرح «تشکیل مراکز تخصصی مشاوره خانواده» در جلسه ۱۷ مورخ ۱۳۸۲/۵/۱۸ در دوره هفتم مجلس اعلام وصول شد و در حال بررسی در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس بود که این دوره به پایان رسید.

«در حوزه‌های قضایی که مراکز مشاوره‌ی خانواده ایجاد شده است، دادگاه خانواده می‌تواند در صورت لزوم با مشخص کردن موضوع اختلاف و تعیین مهلت، نظر این مراکز را در مورد امور و دعاوی خانوادگی خواستار شود» (ماده (۱۸)). «مراکز مشاوره خانواده سعی در ایجاد سازش بین زوجین می‌نمایند و در غیر این صورت نظر کارشناسی خود را در مورد علل و دلایل عدم سازش به‌طور مکتوب به دادگاه اعلام نمایند» (ماده (۱۹)) و «دادگاه با ملاحظه نظر کارشناسی مراکز مشاوره‌ی خانواده به تشخیص خود مبادرت به صدور رأی می‌کند. در صورتی که زوجین متقاضی طلاق توافقی باشند، دادگاه باید آنها را به مراکز مشاوره‌ی خانواده ارجاع دهد» (ماده (۲۵)). به‌نظر می‌رسد که قانونگذار تلاش کرده با اجبار و الزام ارجاع زوجین متقاضی طلاق توافقی به مراکز مشاوره، فرایند طلاق توافقی را نیز مانند درخواست طلاق ازسوی یکی از زوجین^۱ نیازمند مداخله شخص ثالث کند تا بدین طریق بتوان از برخی طلاق‌های غیرضروری توافقی جلوگیری کند. به‌علاوه در قانون برنامه ششم یکی از شاخص‌های ارتقای قوه قضائیه کاهش درصد نسبت طلاق توافقی نسبت به کل طلاق‌های صورت گرفته در نظر گرفته شد و ازسویی برای کاهش طلاق، دولت مکلف به تهیه «طرح جامع کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی» با اولویت طلاق و... گشت و همچنین قانونگذار سازمان بهزیستی نیز مکلف کرده تا با استفاده از ظرفیت مراکز مشاوره در جهت پیشگیری از بحران‌های خانوادگی و وقوع طلاق اقدام کند.

۱. در این مورد ورود داوران از نظر قانون الزامی است هرچند قانونگذار دست قاضی را درخصوص ارجاع زوجین متقاضی طلاق غیرتوافقی به مشاوره را باز گذاشته است.



جمع‌بندی تحلیل تحولات قوانین حوزه طلاق

همان‌طور که ملاحظه می‌شود قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق «سیاست طلاق حداقلی» به وضع قوانین متعددی اقدام کرده است. نگاهی به قوانین وضع شده و تحلیل محتوای آنها نشان می‌دهد تلاش قانونگذار در این زمینه را باید در چهار بخش کلی خلاصه کرد:

۱. تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی خانوادگی و طلاق از طریق ایجاد دادگاه خانواده؛

۲. ضابطه‌مند کردن نحوه اجرای حق طلاق؛

۳. تسهیل درخواست طلاق برای زنان؛

۴. تلاش در جهت ایجاد سازش و مصالحه بین زوجین متقاضی طلاق از طریق دو مکانیسم داوری و نظام مشاوره.

با نگاهی کلی به قانونگذاری خانواده در حوزه طلاق در ایران می‌توان تحولات رخ داده را در ابعاد زیر مورد توجه قرار داده، تبیین و تفسیر کرد:

۱. پیشینه همه قوانین به استثنای «ایجاد مراکز مشاوره در کنار دادگاه خانواده» که در کمتر از یک دهه (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱) به نظام حقوقی ایران وارد شده است، به پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد و بعد از انقلاب تاکنون در همان قوانین پیش از انقلاب اسلامی، تغییراتی مبنی بر افزایش یا کاهش گستره قوانین صورت گرفته است.

۲. تحولات محتوایی برخی از قوانین طلاق، نشان از توجه به چالش‌های زنان در موضوع طلاق و به رسمیت شناختن حق طلاق آنان در قوانین پس از انقلاب و تسهیل طلاق برای آنهاست؛ به‌صورتی که در متن اولیه ماده (۱۱۳۰) قانون مدنی پیش از انقلاب، اصطلاح

عسرو حرج دیده نمی‌شود اما در سال ۱۳۶۱، اصطلاح عسرو حرج وارد متن قانون شد و در سال ۱۳۷۹ قانونگذار علاوه بر تعریف اصطلاح عسرو حرج مصادیق آن را در قانون توسعه داد. هر چند این تحولات محتوایی قانون، مصادیقی از تسهیل طلاق برای زنان دانسته شده^۱ اما در مقابل به این موضوع توجه نشده است که در هر دو قانون فوق‌الذکر «اثبات برای محکمه» و «احراز توسط دادگاه صالح» شروط اصلی درخواست طلاق از سوی زوجه قید شده است؛ امری که همچنان زنان با وجود به رسمیت شناخته شدن حق طلاق‌شان در شرایط خاص به دشواری بتوانند برای این امر اقدام کنند.

از سوی دیگر در خصوص تأثیر تغییرات محتوایی قوانین مرتبط با حوزه طلاق بین کارشناسان اتفاق نظر وجود ندارد، زیرا از نظر برخی از آنان سیر تحولات قوانین جهت‌گیری تسهیل طلاق را نشان می‌دهد و نظام حقوقی ایران با بهره‌گیری از روش تقنینی مانند آسان‌سازی طلاق برای زوجه و گنجاندن واژه «عسرو حرج» در قانون مدنی و قرار دادن شروط ضمن عقد در سند ازدواج سبب شده تا زنان آسان‌تر از گذشته بتوانند طلاق بگیرند. اما در مقابل برخی دیگر از کارشناسان معتقدند این تغییرات نه تنها در جهت آسان کردن طلاق نیست، بلکه برعکس اضافه کردن فرایند قضایی به طلاق از نظر قانونگذار خود راه‌حلی در جهت سخت‌تر کردن فرایند و کاهش آن است.^۲

۱. فرج ...، هدایت‌نیا، تسهیل طلاق یا طلاق‌زدایی در حقوق خانواده ایران، حقوق اسلامی، سال ۱۲، ش ۴۷، زمستان ۱۳۹۴.

۲. جواد ابراهیمی، بررسی رویکرد قوانین خانواده در قبال مسئله طلاق، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، فروردین ۱۳۹۵، صص ۴۸-۴۶.



۳. بررسی تحولات قوانین طلاق نشان از تلاش قانونگذار در جهت کاهش

طلاق توافقی است. افزایش آمار طلاق توافقی^۱ در چند ساله اخیر مورد توجه قرار گرفته به نحوی که در بیانات رهبر انقلاب در دیداری که در ۱۳۹۴/۴/۷ با رئیس قوه قضائیه و رؤسای آن داشتند نیز انعکاس یافته است.^۲ در برنامه ششم توسعه نیز کاهش درصد نسبت طلاق توافقی نسبت به کل طلاق‌های صورت گرفته در جهت ارتقای شاخص‌های توسعه حقوقی و قضایی (بند «د» ماده (۱۱۳)) ذکر شده و همچنین الزام دادگاه‌ها بر ارجاع زوجین متقاضی طلاق توافقی به مشاوره در ماده (۲۵) قانون حمایت خانواده با چنین هدفی صورت گرفته است. البته در حال حاضر براساس موافقتنامه فی‌مابین قوه قضائیه و بهزیستی تمامی زوجین متقاضی طلاق (اعم از توافقی و غیرتوافقی) به نهاد مشاوره ارجاع می‌شوند.

۴. نگاهی به قوانین وضع شده در زمینه کاهش طلاق نشان می‌دهد که ماهیت

سیاستگذاری طلاق در ایران عمدتاً پسینی و ترمیمی بوده و قانونگذار تنها پس از بروز مخاطرات و آسیب‌های اجتماعی به فکر چاره افتاده است. به‌طور مثال براساس ماده (۱۶) قانون حمایت از خانواده قوه قضائیه موظف شده که به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های

۱. «در طلاق توافقی زوجه (زن) با بذل قسمتی از حقوق مالی خود (مهریه، جهیزیه، نفقه) یا مال دیگری، زوج (شوهر) را راضی به اجرای صیغه طلاق می‌نماید. این نوع طلاق که زیرمجموعه طلاق بائن است که می‌تواند از نوع خلع یا مبارات باشد، طرفین، توافق خود را بر شرایط مالی (مهریه، جهیزیه، نفقه ایام عده و نفقه معوقه) و غیرمالی (حضانت فرزندان یا ملاقات آنان) درخواست طلاق را به محضر دادگاه تقدیم می‌کنند تا دادگاه گواهی عدم امکان سازش را صادر نماید» (لیلا اسدی، نقد قانون و رویه قضایی در اجرای طلاق، مطالعات راهبردی زنان زمستان ۱۳۸۲، ش ۲۶، ص ۱۲۱).

۲. افزایش طلاق توافقی به‌گونه‌ای بوده که رهبر انقلاب در دیداری که در ۱۳۹۴/۴/۷ با رئیس قوه قضائیه و رؤسای آن داشتند، «با تأکید بر تلاش برای تسهیل ازدواج جوانان به برخی مشکلات دادگاه‌های خانواده از جمله «طلاق توافقی» اشاره کردند و افزودند: قضات محترم با کمک بزرگان خانواده‌ها، این‌گونه مسائل را تفهیم دهند»

خانواده ایجاد کند و در مناطقی که مراکز مشاوره خانواده وابسته به سازمان بهزیستی وجود دارد دادگاه‌ها از ظرفیت این مراکز استفاده کنند. این درحالی است که از نظر برخی کارشناسان فرایند مشاوره‌ای که در دادگاه‌ها یا مراکز مشاوره‌ای بهزیستی مشغول به فعالیت هستند و زوجین در حین مراحل طلاق باید به آنها مراجعه کنند، به تنهایی مؤثر در کاهش طلاق نخواهند بود،^۱ زیرا زوجین زمانی مجبور به انجام این مشاوره می‌شوند که در آستانه جدایی هستند و مسلماً تصمیم‌ها درباره متارکه از طرف هر دو آنها گرفته شده، در نتیجه به نظر می‌رسد که این مشاوره پسینی نتواند مشکلات زوجین را به صورت کامل حل کند. لازمه موفقیت در این عرصه توجه به موضوع تحکیم خانواده و آموزش مهارت‌های مبتنی بر تشکیل و تداوم خانواده در فرایند جامعه‌پذیری فرد از دوره کودکی است. به عبارت دیگر در شرایطی که فرد فاقد مهارت کافی نگرشی و رفتاری است چگونه می‌توان انتظار داشت با چند جلسه مشاوره در اوج مشکلات خانوادگی بتواند رفتار متناسب را در رابطه با همسر خود در پیش گیرد. علاوه بر این برخی از مشکلات خانوادگی ناشی از انتخاب نامناسب همسر و تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی است یا ریشه در مسائلی چون فقر یا اعتیاد دارد که نمی‌توان انتظار داشت با مشاوره حل شود.

۵. بُعد دیگری از تحولات، به تغییرات نوشتاری قوانین در برخی از موارد مربوط می‌شود. برخی از این تغییرات صورت گرفته به‌رغم آنکه جزئی به نظر می‌رسند، ماهیت قانون را با استحاله جدی روبه‌رو ساخته و گاه آن را از تحقق اهداف اولیه که علت ایجاد آن در قانون بوده دور کرده است به‌عنوان یکی از

۱. محمدجواد حبیبی تبار، «حقوق خانواده، تسهیل طلاق یا طلاق‌زدایی» بررسی رویکرد قوانین خانواده در قبال مسئله طلاق، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی فروردین ۱۳۹۵، ص ۱۹.



مهم‌ترین این موارد، می‌توان به تحولاتی اشاره کرد که قانون مربوط به حکمیت یا داوری با آن روبه‌رو بوده است و به‌نظر می‌رسد قانونگذار، نهاد داوری و کارکردهای آن را دست کم گرفته است،^۱ زیرا قانونگذار در تبصره «۲» ماده (۲۸) قانون حمایت خانواده مصوب کرده که «در صورت امتناع زوجین از معرفی داور یا عدم توانایی آنان دادگاه، خود یا به درخواست هریک از طرفین به تعیین داور مبادرت می‌کند» اینکه افراد تعیین شده از سوی دادگاه که نه از آشنایان زوجین تلقی می‌شوند تا دلسوزی کافی داشته باشند و نه به لحاظ تخصصی مشاور خانواده هستند چگونه می‌توانند در دعاوی طلاق داوری کنند محل سؤال است. بر همین اساس کارشناسان معتقدند عنصر داوری نتوانسته به خوبی وظیفه‌اش را انجام دهد.^۲

با عنایت به تحولات قوانین در حوزه طلاق قانونگذار تلاش کرده با واگذاری پرونده‌های طلاق به دادگاه تخصصی، دعاوی خانوادگی به‌صورت تخصصی‌تر مورد بررسی قرار گیرد و حق طلاق زن را در شرایط خاص (عسر و حرج) با تشخیص دادگاه به رسمیت شناسد. علاوه بر این با ایجاد دو نهاد حکمیت و مشاوره سعی کرده از طلاق‌های غیرضروری جلوگیری کند. اما اینکه تا چه میزان این دو نهاد می‌توانند در کاهش طلاق غیرضروری مؤثر باشند یکی از مهم‌ترین سؤال‌هایی است که باید به آن پاسخ داد، امری که در گزارش بعدی بررسی، مطالعه و ارزیابی خواهد شد.

۱. فرج ا... هدایت‌نیا، «نقد حکمیت در دعاوی خانوادگی از مقررات تا اجرا»، کتاب زنان، سال هفتم، بهار ۱۳۸۴، ش ۲۷، صص ۱۰۶-۷۶.

۲. محمدجواد حبیبی‌نبار، «حقوق خانواده، تسهیل طلاق یا طلاق‌زدایی» بررسی رویکرد قوانین خانواده در قبال مسئله طلاق، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی فروردین ۱۳۹۵، ص ۱۵. فرج ا... هدایت‌نیا، طرح تلفیق داوری و مشاوره در دادگاه خانواده، فصلنامه دین و قانون، ش ۱۲، ۱۳۹۵، ص ۱۲۷.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، جواد. «بررسی رویکرد قوانین خانواده در قبال مسئله طلاق»، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، فروردین ۱۳۹۵.
۲. اخوان تفتی، مهناز. «پیامدهای طلاق در مراحل گذار آن»، مطالعات زنان، سال اول، ش ۳، ۱۳۸۲.
۳. اسدی، لیلا. «نقد قانون و رویه قضایی در اجرای طلاق»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۶، زمستان ۱۳۸۳.
۴. اسدی، لیلا. «جایگاه عسر و حرج - قانون و رویه»، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ش ۳۴ و ۳۵، تابستان و پاییز ۱۳۸۳.
۵. حبیبی تبار، محمد جواد. «حقوق خانواده، تسهیل طلاق یا طلاق زدایی» بررسی رویکرد قوانین خانواده در قبال مسئله طلاق، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی فروردین ۱۳۹۵.
۶. حیدری، مهنوش. «رشد صعودی افزایش نرخ طلاق در کشور»، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۷. کتاب الکترونیکی مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در مورد زنان و خانواده (دوره اول - دوره هشتم)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵.
۸. کرمی، محمد تقی. «ساخت اجتماعی طلاق در ایران»، فصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده، سال اول، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
۹. هدایت نیا، فرج ا... «نقد حکمیت در دعاوی خانوادگی از مقررات تا اجرا»، کتاب زنان، سال هفتم، بهار ۱۳۸۴، ش ۲۷.
۱۰. هدایت نیا، فرج ا... «حقوق خانواده، تسهیل طلاق یا طلاق زدایی»، بررسی رویکرد قوانین خانواده در قبال مسئله طلاق، مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی فروردین ۱۳۹۵.
۱۱. هدایت نیا، فرج ا... «طرح تلفیق داوری و مشاوره در دادگاه خانواده»، فصلنامه دین و قانون، ش ۱۳، ۱۳۹۵.
۱۲. یآوری، فتح ا... «دادگاه مدنی خاص در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران»، مجله حقوقی دادگستری؛ ش ۱، ۱۳۷۰.
۱۳. یآوری، فتح ا... «دادگاه خانواده در نظام قضایی ایران»، فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، دوره ۱۳، ش ۴۸، بهار و تابستان ۱۳۸۷.

14. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=30111>

15. <https://rc.majlis.ir>



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۷۰۳

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: سیاست‌های کاهش طلاق در کشور ۱. تحولات قوانین طلاق

نام دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ (گروه خانواده، زنان و جوانان)

تهیه و تدوین‌کنندگان: اکرم باجلان، آسیه ارحامی

مدیر مطالعه: سینا کلهر

ناظر علمی: سینا کلهر

اظهار نظرکننده: محمود رضایی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. کاهش طلاق

۲. دادگاه خانواده

۳. حق طلاق مرد

۴. عسرو حرج

۵. حکمت و داوری

۶. مشاوره حین طلاق



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۸/۱۸